پیش نیازهای حدیث شناسی

محمدی ری شهری، محمد

«پیش نیازهای حدیث شناسی» عنوان مقاله‏ای است از حجت‏الاسلام والمسلمین محمد محمدی ری شهری که در آن ابتدا ویژگی‏های پژوهشگری را برمی‏شمارد که درصدد است مستندات احادیث رسول گرامی اسلام و خاندان بزرگوارش را اثبات کند، وی سپس در این نوشتار راههای ارزیابی و نقد متن حدیث را تشریح می‏کند.

استناد قرآن به پیامبر اسلام و وحی الهی، متواتر، قطعی، غیرقابل تردید و مورد اتفاق امت اسلامی است و از این رو، در این زمینه نیازی به پژوهش و تحقق نیست؛ اما همه احادیثی که به پیامبر اسلام و اهل بیت (ص) نسبت داده می‏شوند، این گونه نیستند. به استثنای شمار اندکی از احادیث که متواتر (1) و قطعی‏اند، استناد سایر احادیث به آنان، نیاز به تخصص و بررسی دارد.

بنابراین، پژوهشگر پیش از ورود به میدان فقه الحدیث و تحقیق در مضمون و محتوای احادیث اسلامی باید استناد آنها را به خاندان رسول گرامی اسلام اثبات نماید و برای تأمین این هدف، باید دارای معلومات و ویژگی‏های زیر باشد:

علم رجال

علم رجال، دانشی است که در آن، شناخت راویان حدیث و ویژگی‏های آنان که در قبول یا رد حدیث موءثر است، مورد بحث و بررسی قرار می‏گیرد و آشنایی با آن برای پژوهشگر، ضروری است.

علم درایه

علم درایه، دانشی است که خصوصیات سند(2)، مانند: اتصال، انقطاع، صحت، ضعف، اسناد، ارسال و یا خصوصیات متن، مانند اینکه نصّ است یا ظاهر، مجمل است یا مبین، و محکم است یا متشابه، مورد بررسی قرار می‏گیرد. آشنایی با این علم نیز برای پژوهشگر علوم حدیث، ضروری است.

تخصص در ارزشیابی متن

علم رجال، پژوهشگر را با ویژگی‏های یکایک راویان آشنا می‏کند و علم درایه، میزان صحّت و سقم سند و نیز چگونگی دلالت حدیث را مشخص می‏نماید. سوءال مهم در اینجا این است که آیا با تکیه بر این دو دانش می‏توان سخنی را که استناد آن به اهل بیت(ع) از طریق تواتر ثابت نیست، به طور قطعی به آنان مستند کنیم یا صدور آن را نفی نماییم؟ به سخن دیگر، آیا صحّت سند حدیث، دلیل صدور قطعی آن و ضعف سند، دلیل عدم صدور قطعی آن است یا خیر؟

بی‏تردید، پاسخ هر دومورد، منفی است. ممکن است سند صحیح باشد، ولی متن صادر نشده باشد و راوی و یا ناسخ، خطا کرده باشند، یا سند، ضعیف باشد، اما متن صادر شده باشد. البته حجیّت حدیث صحیح و عدم حجیّت حدیث ضعیف در مسایل فقهی، موضوع دیگری است که در این جا مورد بحث نیست.

سوءال مهم دیگری که در این جا قابل طرح است، این است که: آیا احادیثی که از نظر سند ضعیف‏اند یا قوت لازم راندارند، باید کنار گذاشته شوند و از منابع روایی حذف گردند؟

پاسخ این سوءال نیز منفی است؛زیرا با توجه به این که ضعف سند، دلیل عدم صدور نیست، با حذف احادیثی که از جهت سند دچار مشکل‏اند، جامعه از بخش عمده‏ای از رهنمودهای پیامبر اسلام و اهل‏بیت(ع) در زمینه‏های مختلف فرهنگی محروم خواهند شد.

و آخرین پرسش در این زمینه این که: آیا احادیثی را که دچار ضعف سندند، می‏توان به عنوان رهنمودهای پیشوایان اسلام به جامعه عرضه کرد؟

پاسخ این سوءال هم منفی است؛ زیرا با عنایت به سرگذشت تأسف‏بار تاریخ تدوین حدیث و احادیثی که به دست سیاست‏بازان تاریخ اسلام ساخته شده‏اند، عرضه خام متونی (نصوصی) که اعتبار لازم را ندارد، نه تنها سودمند نیست، بلکه کاری بس خطرناک است.

بنابراین، احادیثی را که ازنظر سند ضعیف‏اند، نه می‏توان به طور مطلق پذیرفت و نه می‏توان آنها را به طور مطلق، رد کرد. البته راه سومی وجود دارد و آن ارزشیابی این گونه احادیث است، که باید گفت: نه تنها این گونه احادیث، بلکه احادیثی که از صحّت سند برخوردارند نیز نیاز به ارزیابی دارند؛ زیرا اشاره کردیم که صحّت سند، دلیل قطعیت صدور نیست.

چه بسا که پژوهشگر توانا در ارزیابی حدیثی که از نظر سند صحیح است، به این نتیجه برسد که صدور نیافته، یا به گونه‏ای دیگر صادر شده، یا معنایی جز آنچه ظاهر یا صریح آن است، دارد و به عکس، معتقد شود حدیثی که از نظر سند ضعیف است، صادر شده است.

همچنین ممکن است نتیجه ارزشیابی متن، قطعیت صدور، یا اطمینان، یا ظن به صدور، یا عکس آن باشد.

راههای ارزشیابی متن حدیث

تفصیل سخن در این باره، به خواست خدای متعال در عنوان «الحدیث» خواهد آمد. - گفتنی است که این مقاله به عنوان یکی از درآمدهایی است که برای دانش‏نامه میزان الحکمه آماده شده است- اما از آن جا که در دانش‏نامه میزان‏الحکمة، به استثنای موارد خاصی که به ارزیابی سند می‏پردازیم، معیار انتخاب احادیث، ارزیابی متن آنها بوده است، لازم است در این جا اشاره کوتاهی به مهمترین معیارهای نقد و ارزیابی متن حدیث داشته باشیم:

موافقت یا مخالفت با قرآن

یکی از مهمترین معیارهای قبول و یا رد حدیث، موافقت یا مخالفت آن با قرآن است. بدیهی است که پیامبر اسلام و اهل‏بیت آن بزرگوار، چیزی برخلاف قرآن نمی‏گویند. در این باره از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

ماجاءکم عنّی یوافق کتاب‏الله فأنا قلته، و ماجاءکم یخالف کتاب‏الله فلم أقله(3).

آنچه از من به شما رسد که با قرآن موافقت می‏کند، من آن را گفته‏ام و آنچه‏به شما رسد که با قرآن مخالفت می‏کند. من نگفته‏ام.

امام صادق(ع) نیز می‏فرماید:

هر چیزی به کتاب و سنت بازمی‏گردد و هر حدیثی که با کتاب خدا موافقت نکند، زخرف قدس سره‏باطل[ است.(4)

نکته قابل توجه در این‏جا این است که: مخالفت حدیثی با قرآن، دلیل قطعی بر مجعول بودن آن است؛ اما آیا موافقت حدیثی با قرآن را می‏توان دلیل قطعی بر صدور آن دانست؟

ازنظر منطقی پاسخ این سوءال، منفی است؛ زیرا اجمالاً قطع داریم که هر سخنی که با قرآن هماهنگ است، حدیث نیست. بنابراین، ممکن است مقصود از جمله «ما جاءکم عنی یوافق کتاب الله فأنا قلته» این باشد که هر حدیثی که مضمونش در چارچوب اصول و مبانی قرآن است، قابل قبول است و نسبت دادن آن به پیامبراسلام از باب تطبیق کلی بر مصادیق آن، مانعی ندارد. همچنین موافقت با قرآن، قرینه‏ای بر صحت انتساب است.

موافقت یا مخالفت با عقل

دومین میزان مهم ارزیابی حدیث، موافقت یا مخالفت مضمون آن با احکام قطعی عقل وفطرت است.

اسلام، دین فطرت، منطق و عقل است. از دیدگاه این آیین آسمانی، عقل، حجت درونی خداوند متعال برای بشر است.(5) بنابراین، سخنی را که برخلاف حکم روشن و قطعی عقل باشد، نمی‏توان به پیشوایان بزرگ اسلام نسبت داد.

البته باید توجه داشت که این سخن، بدان معنا نیست که هرچه عقل ازدرک حقیقت آن ناتوان ماند، از اسلام نیست (چراکه عقل با آن‏که وجود حقایق غیبی را اثبات می‏کند، از درک کنه آن عاجز است)؛ بلکه بدان معناست که اگر عقل بطلان قطعی سخنی را کشف کرد، معلوم می‏شود که انتساب آن به پیشوایان اسلام، حقیقت ندارد. به‏سخن دیگر، در آموزه‏های دینی، فوق عقل هست، اما ضدعقل نیست و آنچه ضدعقل و فطرت به اسلام نسبت داده شود، واقعیت ندارد. این روایت از رسول گرامی اسلام، اشاره به این معیار است:

هرگاه حدیثی از من شنیدید که دلهایتان آن‏را می‏شناسد و شعور و احساستان دربرابر آن خاضع است و احساس می‏کنید به شما نزدیک است، من بدان از شما سزاوارترم و اگر حدیثی را از من شنیدید که دلهایتان آن‏را انکار می‏کند و شعور و احساستان از آن نفرت دارد و احساس می‏کنید از شما دور است، من از شما بدان دورترم.(6)

دراین‏جا نیز این سوءال مطرح است که: سخن برخلاف عقل را قطعاً نمی‏توان به پیامبر اسلام و اهل بیت او نسبت داد؛ اما آیا می‏توان گفت: هر سخنی که موافق عقل و فطرت است، از آنان صادر شده است؟

دراین‏جا نیز پاسخ منفی است؛ اما می‏توان گفت که هماهنگی با فطرت وعقل، قرینه‏ای است بر صحت انتساب که در کنار قرائن دیگر می‏تواند برای پژوهشگر، موجب ظن و یا اطمینان به صدور گردد.

سایر قرائن

معیارهایی که ذکر شد، اصلی‏ترین موازین ارزیابی متن حدیث است. سایر قرائنی که می‏توانند به پژوهشگر در این زمینه کمک کنند، مانند: موافقت یا مخالفت با مبانی مسلم اسلام یا با سایر احادیثی که به گونه‏ای صحت یا عدم صحت آنها احراز شده است، همچنین قوت یا ضعف متن، در حقیقت به معیارهای گذشته بازمی‏گردند در این‏جا اشاره به چند نکته ضروری است.

نکته اول: معیارهای ارزیابی حدیث، عموماً دلایل و قرائن عقلی است و آنچه در روایات در این زمینه آمده، ارشاد به حکم عقل است.

نکته دوم: اطمینان به صدور یا عدم صدور حدیث ازطریق ارزشیابی متن، می‏تواند برپایه یک قرینه یا مجموعه قرائن حاصل گردد و چه‏بسا قرائن، موجب ظن به صدور یا عدم صدور گردد.

نکته سوم: در دانش‏نامه میزان الحکمة، از یک‏سو تلاش شده احادیثی که مجعول بودن آنها مقطوع یا مظنون است، نیاید و از سوی دیگر، پژوهشگر بتواند در ابواب مختلف، نوعی اطمینان به صدور پیداکند؛ اما مسئوولیت تک‏تک احادیث با مصادر آنهاست.

بصیرت

یکی از پیش‏نیازهای مهم حدیث‏شناسی در کنار تخصص‏های سه‏گانه‏ای که شرح آن گذشت، بصیرت است. پژوهشگر برای درک دقیق مفاهیم سخنان اهل بیت(ع)، علاوه بر علم رجال و درایه و توان ارزیابی حدیث، نیاز به نورانیت ذهن و دل و جان دارد. به فرموده امام علی(ع) سخن حق و درست، نور است:

ان علی کل حق حقیقة، و علی کل صواب نوراً. (7)

فراتر از هر حقی، حقیقتی است و فراتر از هر صوابی و سخن درستی نوری است.

سخنان خاندان پیامبر(ص) به دلیل اتصال به سرچشمه وحی، چیزی جز حق و صواب نیستند و از این‏رو، چنان که در حدیث ثقلین آمده، تا هنگام قیامت در کنار قرآن برای امت اسلامی نورافشانی می‏کنند. در زیارت «جامعه کبیره»- که از امام هادی(ع) روایت شده است- در توصیف اهل بیت(ع) آمده:

کلامکم نور.(8)

سخن شما نور است.

بی‏شک، هرکس نمی‏تواند نور کلام اهل بیت(ع) را ببیند و از این طریق، صدق و یا کذب سخنانی را که به آنان نسبت داده می‏شود، تشخیص دهد. تنها کسانی دارای این توانمندی هستند که دارای دیده بصیرت باشند و اعماق جانشان با نور بصیرت، روشن شده باشد.

این نورانیت، علاوه بر این که شناخت سنت صحیح راه بر پژوهشگر آسان می‏سازد، زمینه‏ساز قدرت استنباط درست احکام الهی از کتاب و سنت نیز هست و این، همان نیروی قدس‏الهی است که از نگاه شهید ثانی(9)، علاوه بر فقه و اصول و سایر علوم مقدماتی شرط استنباط احکام است. ایشان، پس از تبیین اقسام علوم شرعی و تربیت لازم برای تحصیل آن، تنها آموزش علوم مقدماتی اجتهاد را برای استنباط احکام و رد فروع بر اصول، کافی نمی‏داند و می‏نویسد:

و تمام اینها جز با بخششی الهی و نیروی قدسی از جانب او که وی را به خواسته‏ها رساند و بدان مرتبه ارتقا دهد ممکن نیست، و این مهمترین رکن در فهم دین خدا است و بنده را بدان چاره‏ای نیست. ولی این بخشش الهی و نسیمی رحمانی است که خداوند آن را به آنکه خواهد اختصاص دهد لکن تلاش و کوشش و توجه به خداوند و انقطاع و بریدن از غیراو، تأثیری شگرف و در افاضه آن از جانب خداوند دارد(10) قدس سره چنانکه در قرآن فرموده است:[ و کسانی که در راه ما کوشیده‏اند، به یقین راه‏های خود را بر آنان می‏نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است. (11)

راه تحصیل بصیرت

بصیرت را از دو راه می‏توان به دست آورد:

راه اول رسیدن به بصیرت، تحصیل تقواست. یکی از برکات مهم و بزرگ تقوا، نورانی شدن جان و پیدایش نور بصیرت در انسان است. این حقیقت با صراحت در قرآن کریم آمده است:

ای کسانی که ایمان آورده‏اید اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی[ تشخیص[حق از باطل] قرار می‏گیرد. (12)

ای کسانی که ایمان آورده‏اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به قدس سره‏برکت[ آن راه سپرید.(13)

راه دوم برای تحصیل بصیرت، استمداد از خداوند متعال است، چنان که امام سجاد(ع) در یکی از مناجات‏های خویش می‏گوید:

قدس سره‏بار خدایا[ به من نورانیتی عطا کن که بدان در میان مردم حرکت کنم و در تاریکی‏های بدان راهنمایی شوم و در شک و شبهه از آن روشنایی گیرم.(14)

بنابراین، تلاش برای تحصیل مراتب طهارت و تقوا و نیز اهتمام به ذکر و دعا و استمداد از خداوند متعال برای نورانی شدن فکر و اندیشه، هرچند برای همه پیروان اسلام لازم است؛ اما برای پژوهندگان علوم دینی و بخصوص پژوهندگان در زمینه احادیث اسلامی اهمیت و ضرورت بیشتری دارد.(15)

بی‏شک، پژوهشگری که علاوه بر دانش رجال و درایه و تخصص در ارزشیابی متن حدیث، از نور بصیرت برخوردار باشد، بهتر می‏تواند به حقیقت اسلام ناب از طریق قرآن و حدیث دست یابد، اما باید توجه داشت که این به معنای عصمت و مصونیت او از خطا نیست؛ بلکه هرچه تخصص پژوهشگر بیشتر و بصیرت او افزون‏تر باشد، از میزان خطای او کاسته می‏گردد.

پی نوشت:

1- حدیث متواتر، روایتی است که تعداد راویان آن در هر طبقه به حدی باشند که یقین به صدور آن حاصل شود. این صلاح، تنها حدیث «من کذب علی متعمداً فلیتبوأ مقعده من النار؛ هر که بر من، به عمد دروغ بندد، جایگاهش در آتش قرار گیرد» را مصداق حدیث متواتر دانسته است (مقدمه ابن الصلاح و محاسن الاصطلاح، ص 454)؛ اما در مقابل، سیوطی در کتاب الازهار المتناثرة فی الاخبار المتواترة، (ص 113) حدیث را ذکر کرده است، در حالی که برخی از آنها تنها یک راوی دارند!

علمای امامیه نیز تعداد احادیث متواتر را اندک می‏دانند. در مجموع می‏توان گفت تواتر لفظی به گونه‏ای که علم آور باشد، بسیار اندک است و شاید شمار این دسته از روایات به ده عدد نرسد- که حدیث ولایت:«من کنت مولاه فعلی مولاه»، بیشترین راوی را دارد و حدیث ثقلین از جمله آنها است- و تواتر معنوی نیز هر چند بیش از این مقدار است، لیکن آن هم عدد قابل توجهی را تشکیل نمی‏دهد.

2- در علم رجال، هدف شناخت راویان حدیث به صورت انفرادی است؛ اما در علم درایه، هدف شناخت خصوصیات سلسله سند به طور کلی است.

3- الکافی، ج1، ص 69(ح5)؛ المحاسن، ج 1، ص 347 (ح727)؛ بحارالانوار، ج2، ص 242 (ح39).

4-الکافی، ج1، ص69 (ح3)؛ تفسیر العیاشی، ج1، ص9(ح4)؛ المحاسن، ج1، ص347 (ح725)؛ بحارالأنوار، ج2، ص242 (ح37).

5-ر.ک: خردگرایی در قرآن و حدیث، ص91 (حجیت خرد).

6-مسند ابن حنبل، ج9، ص154 (ح23667) و ج5، ص434، (ح16058)؛ صحیح ابن حبان، ج1، ص264 (ح63)؛ موارد الظم‏آن، ص51 (ح92)؛ الطبقات الکبری، ج1، ص387؛ کنزالعمال، ج1، ص179 (ح902)

7- الکافی، ج 1، ص 69 (ح 1)؛ الأمالی، الصدوق، ص 449 (ح 608)؛ المحاسن، ج 1، ص 354 (ح 749)؛ بحارالانوار، ج 2، ص 243 (ح 44).

8- تهذیب‏الأحکام، ج6، ص 100؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 616؛ عیون أخبار الرضا(ع)، ج 2، ص 277؛ بحارالأنوار، ج 102، ص 132.

9- شیخ زین‏الدین بن علی عاملی معروف به «شهید ثانی» (911-965ق) در کتابش شرح المعة (ج 3، ص 66) در بیان شرایط افتامی‏نویسد: «... نعم یشترط مع ذلک کله أن یکون له قوه یتمکن بها من رد الفروع الی اصولها و استنباطها منها، و هذه هی العمدة فی هذا الباب، والا فتحصیل تلک المقدمات قد صارت فی زماننا سهلة، لکثرة ما حققه العلماء، و الفقهافیه و فی بیان استعمالها، وانما تلک القوه بیدالله تعالی یوءتیها من یشامن عباده علی وفق حکمته و مراده، ولکثرة و الممارسة لأهلها مدخل عظیم فی تحصیلها «والذین جاهدو فینا لندینهم سلبنا»؛ بلی با همه اینها لازم است و دارای قوه و نیرویی گردد که بتواند فروع را به اصول برگرداند و فروع را از اصول استنباط کند و این مهمترین رکن است وگرنه تحصیل مقدمات دراین زمان آسان است، زیرا اندیشمندان و فقیهان براثر پژوهش‏های بسیار و به کار گرفتنش راه را هموار ساخته‏اند. البته آن قوه و نیرو به دست خداوند است که به هرکس بخواهد، برپایه حکمت و اراده خویش عطا فرماید. و البته تلاش و کوشش نقشی به سزا در بدست آوردنش دارد. قدس سره خداوند در قرآن فرموده است:[ و کسانی که در راه ما کوشیده‏اند به یقین راه‏های خود را بر آنان می‏نماییم.

10- عنکبوت، آیه 69.

11- منیة المرید، ص 387.

12- انفال، آیه 29

13- حدید، آیه28.

14- الصحیفة‏السجادیة، ص95 (دعای22)

15- شهید ثانی دراین باره می‏گوید:«... و نورالعلم لا یقذفه‏الله تعالی فی‏القلب المنجس بالکدورات النفسیة والأخلاق الذمیمة، کما قال الصادق(ع) لیس العلم بکثرة‏التعلم، و انما هو نور یقذفه الله تعالی فی قلب من یریدالله ان یهدیه، و نور دانش را خداوند در دل‏های آلوده به اخلاق زشت و کدر قرار ندهد چنانکه امام صادق(ع) فرمود: دانش به زیادی آموختن نیست بلکه حقیقت دانش نوری است که خداوند در دل هرکس بخواهد او را هدایت کند، قرار دهد. (منیة‏المرید، ص167 و 149، مشکاة‏الانوار، ص 563، ح1901، بحارالأنوار، ج1، ص225، ح17؛ الدرالمنثور، ج7، ص20). و نحوه قال ابن مسعود: لیس العلم بکثرة‏الروایة انما العلم نور یقذف فی‏القلب. و بهذا یعلم ان العلم لیس هو مجرد استحضار المعلومات الخاصه و ان کانت هی العلم فی العرف العامی و انما هو النور المذکور النا شی‏من ذلک العلم الموجب للبصیرة و الخشیة لله؛ دانش به زیادی روایت کردن تحقق نیابد، بلکه حقیقت دانش نوری است که خداوند در دل‏ها قرار دهد. و از اینجا معلوم شود که دانش تنها جمع معلومات نیست گرچه در عرف عمومی آن را دانش خوانند بلکه دانش نوری است که از علم برخیزد و سبب بصیرت و ترس از خداوند گردد. (منیة‏المرید، ص167)